Volume 24, Issue 2 (March- April 2025)

PAYESH

Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research

Anxiety and suspension of childbearing in the context of social changes: A qualitative study

Ahmad Kalate Sadati[1], Maliheh Alimondegari[1*], Behnam Honarvar[2], Mohsen Bayati[3], Asalosadat Razavinasab[1], Sara Sadeghiyeh[1], Kamran Bagheri Lankarani[2]

1. Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
2. Health Policy Research Center (HPRC), Institute of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
3. Health Human Resources Research Center, School of Health Management and Information Sciences, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Received: 7 April 2024
Accepted for publication: 17 March 2025
[EPub a head of print-28 April 2025]
Payesh: 2025; 24(2): 243- 256

Abstract

Objective(s): Childbearing is an indicator of sustainable development for countries that have a low level of succession. Since fertility in Iran has reached below the replacement level, it seems necessary to analyze and discover the causes of childlessness in order to improve it by removing the obstacles. Considering the decreasing trend of fertility in Fars province, this article seeks to analyze the cultural factors related to this phenomenon among married men and women.

Methods: A qualitative study conducted in Fars province in 2023. The participants were married men and women without or with one child, and the data were collected using a semi-structured interviews. Data analysis was done by grounded theory method.

Results: The data analysis showed that the participants were facing anxiety and suspense in having children. This means that having children was considered a process accompanied by fear and anxiety, and for this reason, despite the desire to have children, this process remains in a state of suspension. The categories of this anxiety and suspense were: individualism (the growth of individual values among couples), cultural reflection (a different look at culture and the transformation of cultural values), risk perception (worry about living in a risky society) and gender inequality (the inequality of tasks between men and women).

Conclusion: Childbearing in Iran's transitioning society is complex and related to multiple social and cultural implications. Although policymaking is effective on economic dimensions, it seems that more complex social and cultural contexts are involved, which require the attention of policymakers.

Keywords: Fertility, Cultural rethinking, Childbearing suspension, Population growth, Iran

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

[*] Corresponding author: Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran
E-mail: m.alimondegari@yazd.ac.ir

سال بیست و چهارم، شماره دوم، فروردین ـ اردیبهشت ۱۴۰۴

پایش

نشریه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاددانشگاهی

اضطراب و تعلیق فرزندآوری در بستر تغییرات اجتماعی

احمد کلاته ساداتی[۱]، ملیحه علی مندگاری[۱*]، بهنام هنرور[۲]، محسن بیاتی[۳]، عسل السادات رضوی نسب [۱]، سارا صادقیه[۱]، کامران باقری لنکرانی[۲]

۱. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲. مرکز تحقیقات سیاستگذاری سلامت، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳. مرکز تحقیقات منابع انسانی سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

[نشر الکترونیک پیش از انتشار- ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴]

نشریه پایش: ۲۵۶- ۲۴۳ :(۲)۲۴؛ ۱۴۰۴

چکیده

مقدمه: فرزندآوری شاخص توسعه پایدار برای کشورهایی است که سطح جانشینی پایینی دارند. از آنجا که در ایران باروری به زیر سطح جانشینی رسیده است، واکاوی و کشف علل عدم فرزندآوری برای اصلاح با رفع موانع، ضروری به نظر می رسد. با توجه به روند کاهشی باروری در استان فارس، این مقاله بیشتر به دنبال واکاوی عوامل فرهنگی مرتبط با این پدیده در بین زنان و مردان دارای همسر بود.

مواد و روش کار: پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند کوربین و استراوس در سال ۱۴۰۲ با هدف واکاوی عوامل فرهنگی بازدارنده فرزندآوری در استان فارس اجرا شد. مشارکت کنندگان را ۳۲ زن و مرد متاهل تشکیل دادند که به صورت هدفمند و به شیوه نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع آوری و به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که مشارکت‌کنندگان با نوعی اضطراب و تعلیق در فرزندآوری مواجهند. بدین معنا که فرزندآوری را فرایندی همراه با ترس و اضطراب تلقی کرده و به همین دلیل با وجود تمایل به فرزندآوری، این فرایند برای آنان در حالت تعلیق باقی مانده است. مقوله‌های این اضطراب و تعلیق شامل: خردگرایی در فرزندآوری (رشد ارزش های فردی در بین زوجین)، بازاندیشی فرهنگی (نگاهی متفاوت به فرهنگ و دگرگونی ارزش های فرهنگی)، ادراک مخاطره (نگرانی از زندگی در جامعه پر مخاطره) و نابرابری جنسیتی (نابرابری تقسیم وظایف مرد و زن) هستند.

نتیجه‌گیری: فرزندآوری در جامعه در حال گذار ایران، پیچیده و مرتبط با دلالت‌های چندگانه اجتماعی و فرهنگی است. هرچند سیاستگذاری با در نظرگرفتن جنبه‌های اقتصادی فرزندآوری مهم است، اما به نظر می‌رسد که زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌تری در این زمینه دخیل است که نیازمند توجه سیاستگذاران است.

کلمات کلیدی: باروری، بازاندیشی فرهنگی، تعلیق فرزندآوری، رشد جمعیت، ایران

کد اخلاق: IR.SUMS.REC.1401.722

* نویسنده پاسخگو: یزد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی

E-mail: m.alimondegari@yazd.ac.ir

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

مقدمه

فرزندآوری یکی از مؤلفه‌های مهم رشد جمعیت است و از جمله موضوعات مطرح در حوزه مسائل اجتماعی ایران به شمار می‌آید. ازدواج و تشکیل خانواده آغازگر باروری و منشأ تولد است. از دیدگاه جمعیت شناسی، باروری مهم‌ترین پدیده تعیین کننده نوسانات جمعیت (ساخت سنی و جنسیتی جمعیت) شناخته شده و مطالعات مربوط به آن نسبت به سایر پدیده‌های جمعیتی (مرگ و مهاجرت) از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو سیاست‌های جمعیتی در اغلب کشورها به طور عمده حول محور کاهش یا افزایش باروری اعمال می‌شود [۱]. باروری به عنوان یکی از اجزای اصلی رشد جمعیت، یکی از موضوعات پیچیده‌ای است که تحت تاثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که فرایند تغییرات در نرخ باروری کل در کشورهای مختلف روند یکسانی ندارند [۲]. ایران از جمله کشورهایی است که انتقال جمعیتی را طی مدت کوتاهی طی کرده و میزان باروری کل کشور طی دهه‌های اخیر کاهش قابل توجهی داشته است. میزان باروری کل ایران که تا دهه ششم قرن حاضر در سطح بالایی بوده، از دهه ۱۳۷۰ رو به کاهش گذاشته است. این کاهش پاسخی به تغییر سیاست‌های جمعیتی کشور در دهه‌های اخیر بوده است. هرچند بعد از گذشت دو دهه به طور مقطعی میزان باروری کل ایران در سال ۱۳۹۵ اندکی افزایش یافت که از مهم‌ترین دلایل آن تاثیر در سن فرزندآوری و تغییرات ساختمان سنی جمعیت بود؛ اما شواهد حاکی از آن است که میزان باروری از سال ۱۳۹۶ به بعد رو به کاهش گذاشته است و در سال ۱۳۹۸ به سطح ۱/۷ رسیده است [۳]. باروری به عنوان یک واقعیت اجتماعی در سطح خرد متاثر از تفکرات، انگیزه ها، تمایلات و گرایشات افراد و در سطح کلان تحت تاثیر عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در ابتدا کاهش باروری با علل ساختاری مثل کنترل باروری، جهانی شدن اقتصاد، تغییرات در بازار کار، تغییر نقش زن و مرد و کاهش حمایت دولت از خانواده ها و فرزندان مطرح بود، اما به تازگی تغییر در سیستم آموزشی راجع به موقعیت و نقش اجتماعی زنان، تغییر در ارزش گذاری جامعه درباره برابری جنسیتی و تغییر به سمت فردگرایی سکولار، باعث پایان جامعه فرزندمحور شده است [۴]. تجربه مدرنیته ایرانی به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، دلالت‌هایی بر ارتقای خودآگاهی زنان ایرانی دارد. مدرنیته در ایران، سرمایه فرهنگی افراد و همچنین سبک زندگی آنها (خصوصاً زنان) را تغییر داد. در واقع، جامعه سنتی ایران در دهه‌های بعد از انقلاب تغییراتی را در ارزش‌ها و نگرش‌های زنان نسبت به زندگی تجربه کرده است که تبعاتی همچون بالارفتن سن ازدواج در بین زنان، از میان رفتن قبح طلاق به ویژه در بین زنان، شکل‌گیری الگوهای جدید همسریابی و ازدواج، افزایش میزان تحصیلات زنان و کاهش میزان فرزندآوری در بین زوج‌های جوان را در پی داشته است. با افزایش سرمایه فرهنگی والدین، تصمیم آنها برای صرف توان و سرمایه بیشتر جهت تربیت، آموزش و تحصیلات فرزندان بوده و سرمایه فرهنگی آنها بیشتر می‌شود. این والدین زمانی که از سرمایه اقتصادی کم برخوردار باشند، (والدینی با سرمایه فرهنگی بالا و سرمایه اقتصادی پایین) ناگزیر دست به انتخاب خواهند زد و از کمیت فرزندان کاسته و به کیفیت تربیتی، تحصیلی و آموزشی آنان اضافه خواهند کرد [۵].

در تبیین چنین تغییراتی، نظریه نوسازی بر این نکته تاکید دارد که مدرنیزاسیون، باعث رشد تمایلات آینده نگرانه و مطالبه زندگی مرفه‌تر در سبک زندگی و تفکر افراد شده است. این عوامل موجب کاهش توجه فرد به خانواده می‌شود. نوسازی با ارائه سبک زندگی خاص بر طیف گسترده ای از پدیده‌های فرهنگی به طور مستقیم و غیرمستقیم تاثیر گذاشته است. نوسات جمعیت نیز یکی از پدیده-هایی است که از فرایند عمیق نوسازی تاثیر پذیرفته است. سبک زندگی همراه با تنوع و پیچیدگی موجب تغییر ارزش ها، نگرش ها، انتظارات، ترجیحات و رفتارهای افراد شده و حس رفاه‌جویی را در آنها تقویت می کند. نظریه پردازان نوسازی معتقد هستند که فرایند نوسازی حس تقدیرگرایی را به حس خودکنترلی امور، از جمله کنترل خانواده تغییر داده است [۶]. کله‌لند و ویلسون و رابینسون نظریات باروری مبتنی بر عوامل اقتصادی را مورد انتقاد قرار داده و معتقدند عوامل فرهنگی، تغییر ایده‌ها و آمال خانواده‌ها از عوامل برتر در تعیین میزان بارداری است. آنها بیان می‌کنند هرچند مدرنیزاسیون و عوامل اقتصادی بسیار مهم هستند، اما توجه به ایده‌ها و فرهنگ هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی ضرورت دارد [۷]، [۸]. یکی از تعیین‌کننده‌های فرهنگی موثر در تمایل به فرزندآوری، گرایشات دینی است. نظریه‌پردازان گوناگونی مانند وبر و دورکیم بر اهمیت و نقش دین در کنش اجتماعی تأکید کرده اند [۹]. ایدئولوژی ها و نظریه‌های مذهبی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارها را در زمینه ازدواج، بعد خانوار، نقش‌های جنسیتی، کنترل موالید، سقط جنین و ... به وجود می‌آورند که ترجیحات فرزندآوری و

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

انتخاب وسایل پیشگیری از حاملگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۱۰]. مذهب همچنین می‌تواند به طور غیرمستقیم و از طریق تاثیر بر باورهایی که نقش‌های اجتماعی یا خانوادگی زنان و یا گرایش به ترجیح جنسیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رفتار باروری را تغییر دهد [۱۱]. بحث اصلی مکدونالد در نظریه برابری جنسیتی؛ ناهماهنگی بین نهادهای اجتماعی در زمینه برابری جنسیتی است، سطوح بالای برابری برای زنان به عنوان فرد در ترکیب با استمرار سطوح پایین برابری برای زنان به عنوان همسر یا مادر به معنی آن است که بسیاری از زنان به باروری پایینی نسبت به آنچه در دوره جوانی شان آرزو می‌کردند خواهند رسید. ناسازگاری میان سطح بالای برابری جنسیتی در نهادهای اجتماعی فرد محور و تداوم نابرابری جنسیتی در درون نهادهای اجتماعی خانواده محور موجب می شود تا زنان نتوانند ترکیبی از کار و فرزند را وارد زندگی‌شان کنند. بنابراین زنان ناگزیرند زادوولد خود را کنترل کنند و این موجب شده است تا باروری به زیرسطح جایگزینی کاهش یابد[۱۲]. لستاق پیشنهاد می‌کند دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در بررسی تغییرات اخیر در الگوی بارداری، ازدواج و طلاق وارد کرد[۱۳]. لستاق معتقد است گذار باروری در یک جامعه از طریق آزادی و انتخاب عقلانی صورت می‌گیرد و در جوامعی که این فرایند را طی نکرده اند، تعیین کننده‌های باروری از اختیار فردی خارج شده و از طریق هنجارهای فرهنگی جامعه بر فرد تحمیل می‌شود [۱۴]. از نظر بوردیو با افزایش سرمایه فرهنگی خانواده ها، والدین مایلند سرمایه بیشتری را صرف تربیت، آموزش و پرورش فرزندان خود کنند؛ به همین دلیل خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالاتر، از میزان باروری پایین‌تر، ترجیحات جنسی کمتر در فرزندآوری و تبدیل سرمایه اقتصادی خانواده به سرمایه‌های فرهنگی فرزندان، اهمیت می‌دهند [۱۵]. پژوهش [۱۶] چالش‌های شغلی، فرزندپروری، اقتصادی و آموزش فرزندان را مهمترین چالش‌های مرتبط با فرزندآوری زنان شاغل شهر تهران برشمرده است. برآیند این شرایط، تمایل زنان شاغل مشارکت‌کننده در این پژوهش را به داشتن فرزند کمتر سوق داده است. در مطالعه [۱۷] میل به شکوفایی و پیشرفت در تحصیل و کار که عمدتاً ناشی از عدم اطمینان به همسران است، تمایل بیش ازحد و افراطی به خوش-گذرانی و مهم‌شدن خود، بیهوده دانستن تحمل سختی و مشقت‌های بارداری و بزرگ کردن فرزند، از دست رفتن کارکرد گذشته فرزند برای والدین، وجود جایگزین‌های دیگر برای جذاب کردن زندگی و ... از جمله علل مهم در عدم تمایل به فرزندآوری و یا فرزندآوری-های مکرر زنان تهرانی بیان شده است. همچنین در مطالعه‌ای بیان شده ترس از ناامنی شرایط اجتماعی، تمایل به فرزندآوری را کاهش می دهد[۱۱]. توجه به عوامل سوق دهنده به فرزندآوری از یک سو و رفع موانع بازدارنده از سوی دیگر به همراه ایجاد امنیت شغلی و آینده تحصیلی همزمان با رفع مشکلات اقتصادی در رفع مشکل کاهش رشد جمعیت موثر است [۱۸].

یافته‌های پژوهشی در غنا نشان می‌دهد درونی‌سازی بیشتر هنجارهای مردسالارانه با احتمال بیشتری در مورد تمایل زنان به فرزندان بیشتر، به ویژه فرزندان پسر، همراه است. علاوه بر این، ادراک زنان از ترجیحات باروری شرکایشان مهم بود. زنانی‌که تصور می‌کردند شریک‌های مردشان بچه‌های بیشتری می‌خواهند، نیات پروناتالیستی قوی‌تری داشتند[۱۹]. جنگو هسو در زمینه تقسیم کار زوجین و قصد باروری در تایوان به این نتیجه رسیدند که مشارکت مردان در امور منزل یا مراقبت از کودک تمایل زنان به فرزندآوری را افزایش می‌دهد[۲۰]. یافته‌های پژوهش فروتن بیانگر آن است که بدون توجه کافی به نقش فرهنگ و زمینه‌های فرهنگی، نمی‌توان دانش دقیق و توضیح مناسبی در مورد نوسانات جمعیتی ایران ارائه کرد. با این حال، این امر اهمیت عوامل اقتصادی را که یکی دیگر از عوامل مهم تغییرات جمعیتی کشور در سال‌های اخیر به‌ویژه در میان نسل جدید هستند، نادیده نمی‌گیرد. علاوه بر این، مطالعه حاضر شواهد بیشتر و یافته های پژوهشی تازه ای را برای حمایت از استدلال جمعیت شناسان ارائه کرده است که موفقیت پایدار هرگونه مداخله سیاستی در مورد مسائل جمعیتی و الگوهای باروری، مستلزم توجه کافی به زمینه های فرهنگی در سراسر جهان، خواه جوامع توسعه یافته یا در حال توسعه است. این به وضوح در مورد ایران نیز صدق می کند، زیرا بر اساس نتایج این مطالعه، عدم استقبال گرم «نسل جدید» با تحصیلات عالی از جدیدترین سیاست جمعیتی پروناتالیستی که به طور رسمی در سال ۱۳۹۱ آغاز شد، نه تنها بازتاب تغییرات فرهنگی اساسی در بین نسل ها است، بلکه همچنین نشان می دهد که ایران در سال های آینده شاهد نوسانات جمعیتی بیشتری خواهد بود[۲۱]. لوفلر و فریدل در پژوهشی علت‌های کاهش شدید زادو ولد در ایران را تغییر الگوی فرزندآوری ایرانیان با توسعه جوامع تشخیص داده اند [۲۲]. پژوهش یانگ در تایوان نشان می دهند در اقتصادی با نرخ بالای هزینه های آموزشی، با نرخ باروری پایین و نرخ مشارکت زنان

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

بالای زنان در بازار کار همراه است. افزایش هزینه فرصت فرزندآوری، تقاضای والدین تایوانی را برای فرزندان کاهش می‌دهد[۲۳]. لوتز و همکاران با پژوهشی در اروپا مهم‌ترین دلایل جامعه شناختی کاهش تمایل به فرزندآوری را، فاصله میان درآمد واقعی و مورد انتظار زوجین جوان می‌دانند [۲۴].

براساس داده‌ها و گزارش اعلام شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مهم‌ترین دلایل عدم تمایل خانواده ها به فرزندآوری، موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستند[۲۵]. کاهش تعداد فرزندان دلخواه در خانواده در همه استان ها نشانه عمومیت این موانع در سطح ملی است. تغییر تعداد فرزندان در خانوار روستایی، شهری و حاشیه نشین نشانه گستردگی موانع در عموم اقشار است و نشان می دهد مداخلات اصلاحی نیز باید به همه خانواده‌ها تعمیم داده شود. بنابراین، قبل از خروج متولدین دهه ۶۰ از سن باروری باید با اتخاذ تصمیمات صحیح درجهت افزایش نرخ ازدواج سالیانه و به دنیا آمدن فرزندان در خانواده های جدید، نرخ باروری کل را به حد جایگزینی رساند. مسئله بحران جمعیت در کنار بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و غیره تلفیقی از مشکلات مرتبط با هم را ایجاد کرده است؛ مشکلاتی که تأثیر و تأثر آنها از هم چاره‌اندیشی برای رفع هر یک از معضلات موجود را بسیار پیچیده کرده است. با توجه به شواهد فوق و در راستای نیاز به جدیدترین شواهد میدانی جهت اعمال سیاستهای افزایش جمعیت توسط سیاستگزاران و برنامه ریزان، مطالعه حاضر با هدف تعیین مهمترین علل عدم تمایل به فرزندآوری در استان فارس انجام گرفت. این استان نیز در هم اکنون زمره استان‌هایی است که میزان باروری پایین را تجربه می‌کند. هماهنگ با روند کشوری، میزان باروری کل این استان در فاصله بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، حدود ۷ فرزند به ازای هر زن بوده است. پس از سال ۱۳۶۳، همزمان با کاهش روند باروری در کل کشور، شاهد این کاهش در استان هستیم به گونه‌ایکه در دوره ۱۳۸۱-۱۳۷۹ میزان باروری کل به پایین‌تر از سطح جانشینی (کمتر از ۲/۱ فرزند به ازای هر زن) رسیده است. این میزان در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، به ۱/۸۳ فرزند به ازای هر زن[۲۶] و در فاصله ۱۳۹۹-۱۳۹۶ از ۱/۸۹ به ۱/۴۳ فرزند به ازای هر زن تقلیل یافته است [۳]. تجارب مربوط به فرزندآوری، از مرحله آگاهی و معناسازی ذهنی در مورد فرزند و فرزندآوری، تا مرحله تصمیم برای آوردن یا نیاوردن فرزند و همچنین تحقق نیات مرتبط با چنین تصمیماتی همگی طی فرایندهای ذهنی و معنایی و در متن تجارب اجتماعی اقتصادی و فرهنگی زندگی ساخته و برساخته می‌شوند [۲۷]. در همین راستا، به کارگیری روش‌های کیفی برای فهم و واکاوی تفسیر شهروندان از فرزندآوری ضرورت دارد. با توجه به روند کاهشی باروری استان فارس، این مقاله به دنبال واکاوی عوامل فرهنگی زمینه‌ساز انتخاب تعداد موجود فرزند و تمایل برای فرزندآوری/ عدم فرزندآوری بعدی در بین زنان و مردان دارای همسر شهرستانهای منتخب این استان است.

مواد و روش کار

مطالعه حاضر حاصل بخش کیفی پژوهشی با عنوان «بررسی علل عدم تمایل به فرزندآوری در استان فارس (رویکرد ترکیبی)» است که در مرکز تحقیقات سیاستگذاری سلامت دانشکده علوم پزشکی شیراز در سال ۱۴۰۲، به اجرا در آمده است. به‌دلیل گستردگی استان فارس و حجم زیاد جمعیت مشارکت‌کنندگان و محدودیت‌های نظری و روش‌شناختی، امکان مصاحبه و گردآوری اطلاعات از این حجم انبوه میسر نبود. بدین منظور در مرحله اول (اجرای بخش کمیِ طرح پژوهش) برای انتخاب شهرستان‌های استان فارس، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله ای، ۹ شهرستان (سه شهرستان بزرگ با جمعیت ۳۰۰۰۰۰ نفر به بالا، ۳ شهرستان با جمعیت ۱۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هزار نفر و ۳ شهرستان با جمعیت کمتر از ۱۰۰ هزار نفر) از جهات مختلف جغرافیایی به صورت تصادفی شدند (آباده، داراب، سپیدان، شیراز، فسا، فیروزآباد، کازرون، لار و نورآباد ممسنی). جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان از بین شهرستان‌های منتخب در بخش کیفی، ابتدا از روش نمونه‌گیری هدفمند و سپس نظری استفاده شده‌است. به‌عبارتی دیگر؛ نمونه‌گیری در بخش کیفی به‌گونه تصادفی نبوده و در مسیری انجام شد که بیشترین بازده نظری را به همراه داشته باشد. برای یافتن داده‌های مطمئن در جهت شفاف‌سازی دقیق ابعاد پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع داده، یعنی تا زمانی‌که داده‌های به‌دست آمده تکراری شوند، ادامه یافت. در این راستا با ۳۲ نفر از زنان و مردان ساکن شهرستان‌های منتخب استان فارس که متأهل، دارای سن در محدوده ۴۹-۱۵ سال و باسواد بودند و حداقل یک‌سال از زمان ازدواج آنان گذشته بود، مصاحبه صورت گرفت. در مطالعه حاضر از روش‌شناسی کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند کوربین و استراوس[۲۸] استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

نیمه‌ساختاریافته بوده‌است. زمانبندی مصاحبه به واسطه اشتغال و مشغله‌های دیگر زندگی مشارکت‌کنندگان از جمله همسر و فرزندان‌شان، متغیر بود. در ادامه، داده‌ها به صورت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به صورت نظام‌مند و پیوسته مورد تحلیل قرار گرفت. بر اساس الگوی نظریه زمینه ای، در کدگذاری باز، با نوعی رویکرد تحلیلی، مفاهیم به داده‌ها و پدیده‌های مشاهده شده در طول تجزیه و تحلیل داده های کیفی مرتبط می‌شوند. در این مرحله داده‌های متنی را به بخش های مجزا تقسیم و به آن‌ها مفاهیمی الصاق شد. در مرحله کدگذاری محوری، فرایند ارتباط مفاهیم مشابه با یکدیگر، از طریق ترکیبی از تفکر استقرایی و قیاسی انجام گردید. در این مرحله "محورهایی" شکل گرفت که کدها حول آنها سازماندهی می‌شد. در کدگذاری گزینشی، محققان به احصاء مفاهیم اصلی از میان طبقه‌های موجود که در فرایند کدگذاری محوری ایجاد شده بود پرداختند. در واقع در این مرحله محققان تلاش داشتند تا مضمونی فراگیر برای پاسخ به سوالات تحقیق در موضوع فرزندآوری را ارائه کنند. مضامینی که بخش زیادی از داده‌های متنی و مرتبط را به یکدیگر مربوط می-کرد. با توجه به ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع فرایند مصاحبه، اطلاعات کاملی توسط محقق به مشارکت کنندگان از جمله اهداف پژوهش، طریقه انتشار و نتایج آن ارائه گردیده‌است. در زمینه اعتمادپذیری تحقیق در پایان مصاحبه برای رفع ابهامات باقی‌مانده با مشارکت کنندگان دوباره صحبت شد و همچنین جمع‌بندی و نتایج حاصل شده با دو نفر از اساتید کنترل و مورد ارزیابی قرار گرفت. رعایت اعتبار تحقیق مطابق شیوه نامه تحقیقات کیفی مورد نظر محققان بود. همچنین به منظور حفظ اخلاق تحقیق، گمنامی مشارکت کنندگان، صداقت در مسیر و گزارش تحقیق مطمح نظر مشارکت کنندگان بود.

یافته ها

از کدگذاری مفاهیم چهار مقوله هسته حاصل شده که عبارتند از: خردگرایی در فرزندآوری، بازاندیشی فرهنگی، ادراک مخاطره و نابرابری جنسیتی. در ادامه به واکاوی هر یک از این مقوله‌ها پرداخته می‌شود.

خردگرایی در فرزندآوری: فرزندآوری در عصر مدرن برخلاف گذشته یک فرایند همراه با بازاندیشی است. زوجین پیش از فرزندآوری، شرایط زندگی خود را سنجیده و با توجه به آن اقدام به باروری می کنند. درگذشته خانواده‌ها به فرزندان به عنوان یک سرمایه سودآور نگاه می‌کردند که می‌توانستند به درآمد خانواده‌ها کمک مهمی بکنند، اما در جوامع امروزی فرزندان، منفعت اقتصادی برای خانواده ندارند، بلکه هزینه‌های زیادی را نیز با خود به همراه دارند. با دگرگونی وضعیت جامعه، تصمیم گیری برای فرزندآوری با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده ها انجام می شود.

"مخارج زندگی خصوصاً با بچه بسیار زیاده و درآمدها پایین. به همین دلیل فرزندآوری کاهش پیدا کرده" (p.18).

ارزیابی بعدی زوجین پیش از فرزندآوری، وضعیت مسکن است. شرکت کنندگان ترجیح می دهند تا زمانی که در خانه اجاره ای به سر می برند، اقدام به فرزندآوری نکنند و تا رفتن به منزل مستقل این امر را به تعویق می اندازند.

"سالها تو خونه اجاره ای بودیم. مسکن دولتی هم ثبت نام کردیم. اگه طوری بشه که مشکل مسکنم حل یشه بازم بچه میارم" (p.17)

هرچند عوامل اقتصادی ممکن است در تفاوت های نرخ باروری نقش داشته باشد، اما ارزش‌های فرامادی در جوامع امروزی اولویت پیدا کرده اند. تغییر و تحولات روانی و نگرشی یکی از عواملی است که زوجین را در امر باروری محافظه کارکرده است. تغییرات ارزشی جوامع جدید مثل حرکت به سمت کسب آگاهی های بیشتر، فردگرایی، استقلال فردی، تفکر همدلانه، آزادی و ... نقش مهمی در تصمیم‌گیری زوجین برای فرزندآوری دارد. امروز زوجین معتقد هستند که برای والد شدن باید آمادگی های روانی لازم را کسب کرده و سپس اقدام به بارداری کنند.

" زوجین باید آگاهی خودشونو بالا ببرن و از نظر روحی آمادگی داشته باشند. برای بچه دار شدن حتما مشاوره میرم تا بچه خوبی تربیت کنم"(p.27).

امروز با کسب آگاهی بیشتر زوجین آنها به این نکته باور دارند که برای فرزندآوری باید از پیش آمادگی های لازم برخوردار باشند. آنها به این امر واقف هستند زمانی که وظیفه پدر و مادری را به عهده می‌گیرند علاوه بر مسئولیت‌های دیگر زندگی، مسئولیت والدگری نیز به آن اضافه می‌شود. در نتیجه سعی می‌کنند خود را برای پذیرش نقش والدینی آماده کرده و پیش‌زمینه‌های آن را فراهم کنند. خانم ۳۳ ساله از کازرون *(p.15)* معتقد است که تا آمادگی-های روحی و روانی برای فرزندآوری را در خود و همسرش نبیند اقدام به فرزندآوری نمی‌کند.

خردگرایی که به دنبال نوگرایی در جوامع امروزی بسیار گسترده شده است، یک سازه بازدارنده در جهت فرزندآوری محسوب

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

می‌شود. بنابراین هرقدر میزان نوگرایی والدین بیشتر باشد، احتمال فرزندآوری کمتر شده و دغدغه‌های دیگر جای آن را می گیرد. فردگرایی یکی از مهمترین نتایج نوگرایی است. آن دسته از افرادی که تحصیلات و سواد بیشتری دارند، از وسایل ارتباط جمعی بیشتری استفاده می کنند و در کل خصوصیات یک فرد مدرن را دارند، ارزش ها و رفتارهای کاملاً متفاوت در مورد بارداری نسبت به افراد سنتی گذشته دارند. فرد مدرن روحیه فداکاری کمتری دارد و در شئونات مختلف زندگی اهداف خود را در اولویت قرار می دهد، به اوقات فراغت خود اهمیت داده و به دنبال تحقق اهداف خویشتن است.

"کارایی که قبلا در دوران مجردی می تونستی انجام بدی، با وجود بچه نمی تونی، قبلا راحتتر بودی برای مسافرت رفتن یا برای خواسته های خودت می تونستی خرج کنی، ولی وقتی بچه داری متفاوت هزینه می کنی"(p.28).

علاوه بر فردگرایی دغدغه‌مندی نیز از خصوصیات نوگرایی فرد مدرن است. در یک چشم انداز اقتصادگرایانه، فرزندان مانند نوعی کالا هستند که برای داشتن آنها هزینه های زیادی باید صرف شود. هزینه های آموزشی، تربیتی، مراقبت های پزشکی و غیره باعث می شود که تمایل به باروری در بین زوجین کاهش یابد.

"بیشترین نگرانی والدین مسائل اقتصادی است میترسند نتوانند هزینه های زندگی شان را تامین کنند به همین خاطر میل به فرزندآوری خیلی کمتر شده"(p.25).

به غیر از هزینه‌های اقتصادی، دغدغه های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی نیز ازجمله مهمترین نگرانی های والدین برای فرزندآوری است. تصور آینده مطلوب در سایه نگرانی‌های اجتماعی و فرهنگی برای زوجین مبهم است.

"جامعه برامون سخت کرده زندگیو وگرنه الان حتی من دلم میخواد سه تا ام فرزند داشته باشم ولی خوب نه از لحاظ اقتصادی تو رفاهیم، نه از لحاظ اجتماعی تو رفاهیم، الانم دیگه امنیتمونم تو خطره. واقعا همچیو برامون سخت کرده و نمی تونم حتی بهش فکر کنم"(p.27).

بازاندیشی فرهنگی: یکی از بسترهای مهم تداوم بارداری پایین در عصر حاضر را می توان چرخش فرهنگی از ارزش‌های سنتی خانواده محور به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی فردمحور دانست. ارزشهای اخلاقی فردمحور، اهمیت کمتری برای ازدواج و خانواده قائل بوده و پذیرش خانواده بدون فرزند در آنها بیشتر از گذشته است. سبک زندگی مدرن نسبت به گذشته پیچیده‌تر شده و نتیجه آن وجود خانواده‌ای است که دیگر فرزند داشتن را به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کند. این چرخش فرهنگی ابتدا در اروپا به وجود آمده و سپس به اکثر کشورها نفوذ کرده است. شکل های غربی تشکیل خانواده و دوستی ها با جنسیت مخالف به جای تعهد به ازدواج ارزش ها را از سنتی و ساده به مدرن و پیچیده تغییر داده است [۲۷]. در این شرایط جوانان زندگی آزادانه و به دور از تعهد را به زندگی همراه با تعهد و مشکلات ناشی از آن ترجیح می‌دهند.

یکی از مهم ترین تاثیرات تحولات فرهنگی، تغییرات شغلی است. والدگری که در گذشته وظیفه اصلی زوجین بوده، اکنون به‌واسطه وظایف مختلف و بعضاً متضاد آنها سخت و دشوار شده است. بنابراین زوجین با در نظرگرفتن مسئولیت‌ها و وظایفی که برعهده دارند ممکن است نقش والدینی را به تعویق بیندازند.

"وجود بچه باعث تحکیم خانواده می‌شود اما آزادی ها را هم کمتر می‌کنه، مثلاً من بعد از کار اداری اگر عصر کاری داشته باشم که باید انجام بدم نمی تونم، چون به دلیل وظیفه پدری خود و مشغولیت همسرم مجبورم کنار بچه ها بمونم"(p.30).

در خانواده هایی که هر دوی زوجین شاغل باشند این وضعیت وخیم‌تر شده و شرایط تربیت فرزندان را با پیچیدگی های بیشتری روبرو می‌کند.

" اگر از من باشه دوست دارم بچه زیاد داشته باشم ولی خانم راضی نمیشه چون خانمم کارمنده و مشغله کاری داره و کارا زیاده نمیتونه بیشتر بچه بیاره و نگهداری کنه"(p.7).

بررسی تجربه کشورهایی که با کاهش فرزندآوری روبرو هستند بیانگر آن است که، ارزش‌های دینی کمرنگ شده و مادی گرایی نقش مهمتری در زندگی افراد ایفا می‌کند. ارزش‌های دینی همواره بر تدابیر خانوادگی و اجتماعی تاکید دارند، اما در مقابل تدابیر ماده انگاری بر مصرف‌گرایی، رفاه طلبی و در حالت کلی به اولویت فرد بر خانواده تاکید می‌کند. کمتر کسی می‌تواند نقش رسانه و گستردگی اطلاعات آن را در جوامع امروز انکار کند. رسانه هم خبررسان است و هم خبرساز. رسانه تصمیم می‌گیرد کدام اطلاعات را گسترده تر نشان داده و به کدام اهمیت کمتری بدهد. زمانی که در جامعه مخاطره از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار داریم، رسانه های وابسته سعی می‌کنند بی‌نظمی موجود را انکار کرده و یا به سطوح پایین‌تر تقلیل دهند. در اینجاست که برای قشر آگاه‌تر جامعه، رسانه‌های آزاد خصوصا در فضای مجازی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. معمولا رسانه‌های آزاد با بازنمایی خشونت و

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

نشان داده جلوه‌های منفی آن، نقش پررنگی در تصمیم‌گیری والدین مبنی بر عدم فرزندآوری ایفا می‌کنند.

" فضای مجازی با نشان دادن اثرات منفی و مخرب آسیب های اجتماعی، ما را از فرزندآوری دلسرد کرده است" (p.27).

"سطح خشونت با بچه‌ها که در فضای مجازی نشون داده می شه، من را ترغیب به بچه دار نشدن کرده. اگر فرزند دختر داشته باشی که این خشونت خیلی بیشتره"(p.25).

ادراک مخاطره: وضعیت پیچیده جامعه، فرزندآوری را به یک فرایند همراه با ترس و عدم اطمینان تبدیل کرده است. در جامعه ای که بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی وجود دارد، مشروعیت دولت در خطر است و بی‌اعتمادی به دولت، عدم اطمینان پذیری، احساس ناامنی و بی اطلاعی از آینده را به دنبال دارد. در نتیجه تمامی این مسائل پرخطر، افراد ریسک فرزندآوری را نمی پذیرند. در جامعه مدرن امروزی توجه به مسائل فرهنگی در کنار مسائل اقتصادی قرار می‌گیرد. حال اگر در جامعه ای ارزش های اقتصادی به عنوان ارزش برتر تلقی شود، خانواده هایی که در این جامعه زندگی می‌کنند، برای تربیت فرزندانشان با مشکل مواجه می شوند. زیرا زمانی که اقتصاد طبقاتی مطرح باشد، فرهنگ طبقاتی نیز به دنبال آن خواهد آمد.

"فرهنگ جامعه یک فرهنگ پولکی شده و بچه ها را پولکی بار میاره و از طرفی هم نمیشه اونا را تو خونه حبس کرد... بنابراین برای تربیت فرزندم بسیار نگرانم" (p.20).

مشارکت کنندگانی که جامعه حاضر را یک جامعه پرمخاطره تلقی می کنند، از گستردگی فساد و فحشا ترس داشته و برای آینده فرزندان خود در این محیط نگران هستند.

"فساد زیاد شده تو جامعمون. نگرانی هایی که تو جامعمون زیاد شده یکیش فساد و فحشاست. شوهرم همیشه از این موضوع نگرانه"(p.32).

تلقی والدین از شرایط زندگی به عنوان یک جامعه پرمخاطره، تعدادی از آنان را برای بهبود شرایط زندگی فرزندان خود علاقمند به مهاجرت کرده است.

"به مهاجرت فکر کردم، خودم دوبار رفتم ترکیه، خیلی تلاش کردم و مشتاقم برم خارج، ولی تا حالا جور نشده، چند تا اقوام داشتیم که یکی شون آمریکا بود یکی فرانسه، اوناهم می گفتن بیا، ولی جور نشد. من حتی می خواستم به شهرهای بزرگتر مثل اصفهان یا یزد هم مهاجرت کنم، ولی رفتم دیدم هزینه های اجاره خونه اونجا خیلی بالاست، حتی ممکن بود توی اون شهرها بیکاری هم بکشیم به همین دلیل منصرف شدیم و نرفتیم" (p.14).

زندگی در جامعه پرمخاطره نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که والدین را نسبت به آینده فرزندان هراسان می کند. تصور کنید زمانی که در جامعه ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم باشد، زوجین می توانند با آسودگی برای آینده فرزندان خود برنامه‌ریزی کنند اما جامعه پرمخاطره امکان این پیش‌بینی را از زوجین سلب می‌کند به طوری که آنها همواره احساس ناامنی کرده و برای فرزندآوری دچار تردید می‌شوند.

" مهمترین نگرانی پدر مادر آینده بچه هاشون است که با وجود این وضعیت اقتصادی و اجتماعی بد در جامعه و هنجارهای اجتماعی که بچه ها با اون بزرگ میشن آینده بچه ها چی میشه"(p.26).

از سوی دیگر آنچه امروزه مورد تاکید والدین قرار گرفته، تمرکز بر روی کیفیت فرزند است تا کمیت آن. با توجه به اینکه فرزند داشتن در جامعه امروزی با هزینه‌های هنگفت همراه است، زوجین ترجیح می‌دهند هزینه فرزند بیشتر را صرف تربیت و پرورش یک فرزند کنند تا بتواند در آینده برای خود و جامعه مفید باشد.

" شرایط اجتماعی جامعه برای بچه دار شدن بسیار خطرناک است بنابراین بهتر است یک بچه داشته باشیم و بهترین نحو تربیت کنیم تا چند فرزند داشته باشیم"(p.31).

یکی از نقدهای اساسی مشارکت‌کنندگان نسبت سیاست‌های تشویقی دولت برای فرزندآوری نیز همین تمرکز بر کمیت فرزندان و نادیده گرفتن کیفیت تربیت آنان است. آنها معتقدند دولت به جای اینکه برای فرزندان سوم به بعد مشوق ارائه دهد بهتر است برنامه‌هایی برای تشویق زوجین برای رسیدن به فرزند اول و دوم و نیز تمرکز بیشتر خانواده‌ها بر روی ارتقای کیفیت فرزندان ارائه دهد.

نابرابری جنسیتی

امروزه سهم زنان در انجام امور خانواده گسترده‌تر شده است، زیرا بسیاری از زنان در کنار ایفای نقش همسری و وظیفه تربیت و پرورش فرزندان، دارای شغلی در بیرون از منزل هستند. مجموع این نقشها باعث شده آنها فراغت کمتری برای رسیدگی به امور فردی خود داشته و آرامش خود را در گذر زمان از دست بدهند. بنابراین تصمیم به باروری در زنان امروزی دشوارتر از رفتار باروری زنان در چند دهه گذشته است.

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

" اصلا نمیتونم فکر کنم که فرزند دیگه داشته باشم من خودم شاغلم و دو شیفت میرم سرکار، شوهرم کشاورز و نگهداری بچه ها برام سخته، هم نگهداریشون و هم هزینه هاشون"(p.25).

زمانی‌که زنان خود را در این وضعیت می‌یابند نمی‌توانند تمامی نقش ها را به طور کامل انجام دهند. اگر زمینه فراهم شود تا زنان بتوانند در کنار شغل مادری به هویت‌یابی و خودشکوفایی خود دست یابند، انگیزه آنها برای فرزندآوری افزایش می یابد.

" امروز زن ها برای راحتی و آزادی خودشون بچه بیشتر نمی خوان، خیلی ها میگن مگه دیوونه ایم آرامش خودم را به خاطر بچه فدا کنیم" (p.24).

خانواده از جمله نهادهایی است که نابرابری جنسیتی را به افراد منتقل و نهادینه می کند. با وجود تمامی دگرگونی‌های فرهنگی در عصر جدید، خانواده هنوز قدرت مهمی در جامعه‌پذیر کردن افراد دارد. اگر خانواده‌ها فرهنگ مردسالاری را پذیرفته باشند، در این صورت داشتن فرزند پسر، از اولویت‌های آنهاست. اگر شرایطی به وجود آید که فرزند اول آنها دختر باشد، آنها بارداری خود را تا جایی که فرزندشان پسر باشد ادامه خواهند داد.

" دوستام میگن اگه بچه ات دختر باشه بیشتر بهت آرامش میده، ولی من دوست دارم بچه اولم پسر باشه، اونا بهم میگن که من مردسالارم که اینجوری میگم" (p.14).

به نظر می‌رسد امروزه یکی از نگرانی‌های مهم والدین، حساسیت اخلاقی و دشواری‌های تربیتی مرتبط با فرزندان دختر است. از اینرو برخی از مشارکت‌کنندگان به داشتن فرزند پسر علاقه بیشتری نشان دادند، زیرا از نظر آنها تربیت فرزند دختر در جامعه امروزی، نگرانی های به مراتب بیشتری را برای والدین به ارمغان می آورد.

" من خدا را شکر می کنم دختر ندارم. من از بعضی مدیرای مدارس دخترونه سوال می کنم، میگن از نظر اخلاقی کنترل اونا سخته. از لحاظ تربیتی، مدیریت اونا سخته"(p.4).

برساخت نظری پژوهش

مقوله مرکزی: اضطراب و تعلیق فرزندآوری

با توجه به کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده، استخراج مفاهیم و مقوله‌های حاصل از آن در مورد نحوه اقدام مشارکت کنندگان به فرزندآوری، پدیده اضطراب و تعلیق فرزندآوری کشف شد. این مفهوم در فرزندآوری یک رفتار کنش‌گرایانه فردی است که به واسطه عوامل مختلف جمعی و زمینه‌ای برساخته می شود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش تصمیم قطعی برای فرزندآوری یا عدم فرزندآوری نداشته و تأخیر در این امر را وابسته به شرایط گوناگون می دانند. از دیدگاه آنان، فرزندآوری فرایندی است که همواره با اضطراب همراه بوده و در شرایط فعلی برای آنها در وضعیت معلق است. تعلیق فرزندآوری بدان معناست که مشارکت-کنندگان به دلیل شرایط و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور، برای فرزندآوری مضطربند هرچند که برای داشتن فرزند نیز علاقمند هستند. اضطراب از فرزندآوری برای آنان به دوران پیش بچه‌دار شدن و پس از فرزندآوری مربوط می‌شود. زوجین در ابتدای ازدواج با در نظر گرفتن شرایط خود و جامعه در اقدام به بچه‌دار شدن دچار تردید می شوند و آن را به تعویق می اندازند. این تردید و اضطراب ناشی از ناامنی اجتماعی، نگرانی های اقتصادی و انگیزه های فردی است. نگرانی از نحوه تربیت و آینده فرزند نیز یکی از مهمترین دغدغه‌های والدین در جامعه امروز است.

جدول ۱: مشخصات جمعیتی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشخصه جمعیتی		تعداد	درصد	مشخصه جمعیتی		تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۹	۲۸,۲		یک سال و کمتر	۶	۱۸,۷۵
	زن	۲۳	۷۱,۸	اختلاف سنی	دو سال	۶	۱۸,۷۵
سن	زیر ۳۰ سال	۹	۲۸,۱	با همسر	۳-۵ سال	۱۰	۳۱,۲۵
	۳۹-۳۰ سال	۱۴	۴۳,۸		۶ سال و بیشتر	۱۰	۳۱,۲۵
	۴۰ساله و بیشتر	۹	۲۸,۱		بدون فرزند	۱۰	۳۱,۲۵
تحصیلات	دیپلم و پایین تر	۸	۲۵	تعداد فرزندان	یک فرزند	۱۲	۳۷,۵
	کارشناسی	۲۰	۶۲,۵		دو فرزند	۱۰	۳۱,۲۵
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۴	۱۲,۵	**جمع کل**		۳۲	۱۰۰

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

جدول۲: مقولات مربوط به اضطراب و تعلیق فرزندآوری در بستر تغییرات اجتماعی

مفاهیم		مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله هسته
سنجش وضعیت اقتصادی	ارزیابی مشکلات مربوط به مسکن	خودارزیابی اقتصادی پیش از بارداری	تأخیرهای خودخواسته زوجین در بارداری	**خردگرایی در فرزندآوری**
فراهم کردن پشتوانه مالی کافی برای زندگی	ارزیابی وضعیت شغلی			
دستیابی به شرایط زندگی باثبات تر	همراهی همدلانه زوجین جوان	دستیابی به ایده‌ال های روانی		
کسب آمادگی های لازم برای پذیرش نقش والدینی				
اهمیت به خود در شئونات مختلف زندگی	خودشکوفایی و خود تحقق بخشی	فردگرایی	فردگرایی	
اهمیت توجه به نحوه گذران اوقات فراغت	مدیریت بدن			
دغدغه تربیتی و پرورشی فرزند	دغدغه آموزشی فرزند	دغدغه های انباشته	دغدغه های انباشته	
دغدغه اجتماعی و فرهنگی تربیت فرزند	دغدغه اقتصادی فرزندآوری			
نفوذ فرهنگ غربی	پیچیدگی سبک زندگی مدرن	هویت‌یابی مدرن نسل جدید	چرخش فرهنگی	**بازاندیشی فرهنگی**
عمومیت یافتن دوستی جنس مخالف				
شکاف ایده‌ای بین نسلی	رواج تعاملات آزادانه	واگرایی نگرشی/ ایده‌ای بین نسلی		
پذیرش ارزش‌های جدید	ازدواج گریزی نسل جوان			
نداشتن انرژی لازم ایفای نقش های متفاوت	تنش‌های خانوادگی	چرخش وظایف شغلی		
عدم موفقیت در ایفای کامل وظایف شغلی	به تأخیر انداختن اشتغال			
هماهنگ کردن نوبت کاری با فرزند و همسر	تغییر شغل یا ترک موقت کار			
سستی باورهای دینی	کاهش گرایشات مذهبی	ضعف هنجارهای دینی	ضعف هنجارهای دینی	
اشاعه ارزش‌های دنیوی و مادی گرایانه غربی				
گستردگی فضای مجازی	تغییر مداوم ذائقه مخاطبان	سپهر رسانه	تغییرات نگرشی مصرف رسانه‌ای	
نفوذ رسانه بر ابعاد مختلف سبک زندگی				
ناتوانی در ترغیب به ازدواج و فرزندآوری	بازنمایی خشونت در رسانه	نقش بازنمایی رسانه		
عدم موفقیت رسانه‌های دولتی در جذب مخاطب				
رشد فساد و فحشا	نا آرامی‌های سیاسی	رشد آسیب‌های اجتماعی	نامنی اجتماعی	**ادراک مخاطره**
تضعیف نقش خانواده در جامعه امروزی	محیط اجتماعی هراس آور			
افزایش میل به مهاجرت	نابرابری طبقاتی	فرهنگ طبقاتی		
توجه به ارزش های مادی				
نامنی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی	پیش بینی ناپذیری اوضاع جامعه	آینده هراسی	فرزندآوری در جامعه پرمخاطره	
نگرانی از نوع تربیت فرزند در جامعه امروز	ترجیح کیفیت بر کمیت	تردیدهای تربیتی		
رسیدگی به درخواستهای همسر	فراغت شخصی کمتر	سهم بالاتر زن در انجام مسئولیت‌های خانگی	نابرابری جنسیتی در ایفای نقش‌های خانوادگی	**نابرابری جنسیتی**
پرداختن به امور آموزشی و تربیتی فرزندان	عدم صرف وقت کافی برای خود			
کاهش رفت‌وآمد و تعاملات خانوادگی	کاهش آرامش			
محدودیت زمانی در انجام امور منزل				
تضعیف نقش مادری	خانه‌داری ناقص	ناتوانی زن در ایفای کامل نقش درون خانه		
تضعیف نقش همسری	کدبانوگری ناموفق			
علاقمندی به فرزند پسر	تربیت آسان‌تر پسران	فرهنگ مرد سالاری	فرهنگ جنسیتی	
آسیب پذیری بیشتر دختران	نا امنی اجتماعی دختران	نگرانی‌های تربیتی دختر		

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

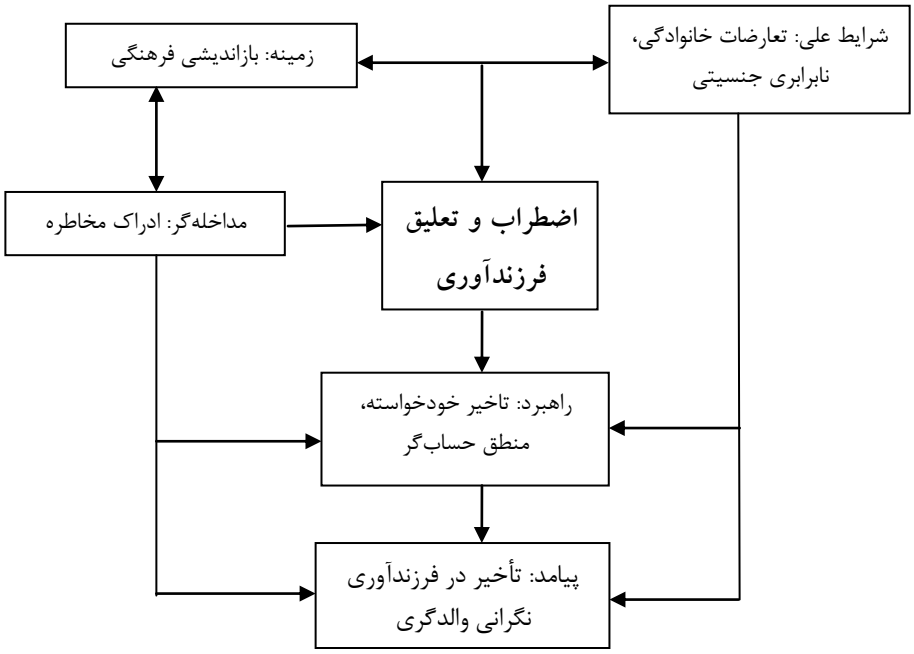

نمودار ۱: الگوی پارادایمی اضطراب و تعلیق فرزندآوری

بحث و نتیجه گیری

تمایل یا عدم تمایل به فرزندآوری تعیین‌کننده مهمی برای رفتارهای باروری آینده است، زیرا که نیت‌ها و ترجیحات افراد شکل‌دهنده رفتار آنهاست. پژوهش حاضر با هدف واکاوی علت عدم فرزندآوری در بستر فرهنگی و اجتماعی استان فارس صورت گرفته است. برای این منظور ۳۲ مصاحبه صورت گرفته با زنان و مردان دارای همسر استان فارس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و علل عدم تمایل آنان به فرزندآوری شناسایی شد. یافته‌ها بیانگر آن است که به دلیل تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی، فرزندآوری با تعلیق و اضطراب همراه است. با وجود اینکه پژوهش‌های اندکی در مورد نقش عوامل فرهنگی بر تصمیم به باروری زوجین انجام شده است، اما یافته‌های این پژوهش، همسویی نسبی با یافته مطالعات مذکور دارد. همسو با یافته پژوهش نجفی اصل و غفاری سردشت و متقی، مشارکت‌کنندگان ضعف در ارزش‌های اعتقادی و هنجارهای دینی در جامعه امروزی را یکی از عوامل فرزندآوری پایین می دانند. لوفر و فریدل از مهمترین عوامل کاهش فرزندآوری در ایران را رشد ایده‌های جدید فرهنگی می‌دانند. در مطالعه ترکیان و همکاران و آدسرا یکی از عوامل بازدارنده فرزندآوری مشکلات فرهنگی در رابطه با شغل و تحصیلات بیان می‌شود. همچنین یانگ نشان می‌دهد که شغل زنان یکی از دغدغه‌های آنها برای جلوگیری از فرزندآوری است. در این پژوهش سازوکار ایفای نقش تعیین‌کننده‌های فرهنگی به عنوان بازدارنده فرزندآوری واکاوی شد. نتایج پژوهش حاضر بر این واقعیت تأکید دارد که گرچه عوامل اقتصادی نقش مهمی در رابطه با فرزندآوری دارند؛ اما اقتصاد همیشه تنها عامل تعیین‌کننده نیست و عوامل فرهنگی نیز در این عرصه، نقش مکمل و حتی مستقل خود را ایفا می‌کنند.

نقطه آغاز تحلیل این پژوهش، توجه به رویکرد نوسازی است. این نظریه بر این باور است افراد در عصر جدید بر فردیت خود به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده سبک زندگی تاکید دارند که خودتحقق بخشی و استقلال فردی و حس رفاه جویی افراد را تقویت می‌کند. همسو با این رویکرد، مشارکت‌کنندگان پژوهش ترجیح می‌دهند در تصمیم‌گیری به فرزندآوری بازاندیشی کرده و در مورد آن، با توجه به ملاک‌های فردی تصمیم بگیرند. بازاندیشی و نگرش‌های جنسیتی که مختص جامعه مدرن امروزی است، بر روی تمایل به باروری خانواده ها نقش دارد. جوانان امروزی دیگر مانند گذشته پذیرای سنت‌های مرسوم ازدواج و فرزندآوری نیستند. آنها در چرخه فرهنگی مدرنیته، مدام در معرض بازاندیشی و پذیرش ارزش های جدید قرار دارند. این نسل با پذیرش تعاملات آزادتر و نگرش های فردی به ازدواج به عنوان یک اقدام حتمی

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

نمی نگرند و فرزندآوری را صرفاً یک انتخاب آزادانه و به دور از اجبار تلقی می کنند. مطابق با نظر بوردیو[۱۵]، مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان داشتند که پیش از فرزندآوری وضعیت اقتصادی و شغلی خود را سنجیده و اگر پشتوانه مالی برای اداره زندگی فرزندان‌شان را نداشته باشند، اقدام به فرزندآوری نمی‌کنند. اگر در گذشته، دین در کنشهای اجتماعی افراد اهمیت و نقش پررنگی داشته [۹] امروزه ارزش‌های مادی‌گرایانه و دنیوی جای آن را پر کرده است. در گذشته، اعتقادات دینی، توانایی تقویت پیوند بین اعضای خانواده ها را داشته و به واسطه نفوذ در چارچوب‌های خانوادگی، ابزاری مهم برای تشویق به فرزندآوری بوده است. اما مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بیان کردند که برخلاف والدین شان، باورهای مذهبی، دیدگاه‌های سنتی و حتی اصرار اطرافیان در تصمیم گیری آنان برای فرزندآوری تعیین کننده نبوده و خودشان تصمیم گیرنده اصلی در اقدام به باروری هستند. با رشد فرهنگ فردگرایی و پررنگ شدن نقش رسانه‌ها و فضای مجازی در تغییر سبک و اولویت‌های زندگی افراد، برخی از مشارکت‌کنندگان ترجیح می‌دهند تک فرزند باشند یا بدون فرزند باقی بمانند.

همانگونه که لستاق [۱۴]، مطرح نمود یکی از سازوکارهای ارتقای موقعیت اجتماعی زنان در جامعه امروزی، به تعویق انداختن باروری است. با کمرنگ شدن تقسیم نقش جنسیتی، زنان به عنوان نیروی کار دستمزدی، فعالانه در بازار کار مشارکت دارند. یافته‌های پژوهش با رویکرد نظری مکدونالد [۱۲] و دیدگاه لستاق [۱۴]، همسو است. زنان شاغل مشارکت‌کننده در پژوهش بیش از سایرین، فرزندآوری را یک فرایند پرچالش و همراه با دشواری تلقی می‌کنند. جامعه کنونی هنوز پذیرای ایفای نقش مساوی زن و مرد در درون خانه نبوده و زن شاغل علاوه بر ایفای وظایف شغلی بیرون از منزل و توجه به نقش همسری، باید سهم بیشتری در انجام امور خانه و فرزندپروری داشته باشد. این زمینه ها سبب می‌شود که رفتار باروری زنان بخصوص زنان شاغل تا رسیدن به شرایط مطلوب به حالت تعلیق درآید، هرچند که این به تعویق انداختن، اضطراب هایی نظیر احتمال ناباروری را هم برایشان به همراه دارد.

نگرش‌های جنسیتی به عنوان عاملی در شکل‌گیری ترجیح جنسیتی در هر دو جنسیت پذیرفته می‌شود. نگرش‌های جنسیتی سنتی‌تر با ترجیح پسر و نگرش‌های برابرطلبانه تر با عدم ترجیح جنسیتی و ترجیح متعادل جنسیتی در هر دو جنسیت همراه است [۲۹]. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت با تغییر نگرش-های جنسیتی از سنتی به سوی برابر طلبانه، ترجیح جنسیتی متأهلان از الگوی غالب ترجیح پسر به ترجیح متعادل جنسیتی تغییر یافته است. هرچند که به علت ادراک مخاطره و دغدغه‌های تربیتی نسل جوان امروز؛ والدین در مورد فرزندان دختر نگرانی های بیشتری ابراز داشتند.

امروزه با رشد فرهنگ مخاطره در سطح اجتماع، تمایل به فرزندآوری کاهش یافته است. فرهنگ مخاطره حاصل آسیب‌های اجتماعی است که آینده هراسی و تردید های تربیتی را به دنبال دارد. رشد فساد و فحشا در جامعه، ناآرامی‌های سیاسی و ناامنی‌های اجتماعی که حاصل زندگی در جامعه پر مخاطره است، عامل اضطراب والدین و سوق دهنده تعلل در فرزندآوری است. در شرایط ناامنی اجتماعی، پیش‌بینی پذیری در مورد آینده مختل می‌شود. برخی مشارکت‌کنندگان بیان کردند که با وجود این پیش‌بینی ناپذیری در سطح جامعه، اقدام به باروری و تربیت فرزند برای شان هراس‌آور است. از اینرو ترجیح می‌دهند تا آرام شدن شرایط، فرزندآوری را به تاخیر بیندازند.

با توجه به آنچه بیان شد، اقدام به فرزندآوری در بین متأهلان استان فارس، یک فرایند پیچیده است. تصمیم برای فرزندآوری به آسانی گذشته نبوده و پیچیدگی‌های زندگی امروزی بر تصمیم-گیری‌های زوجین اثرگذار بوده است. رشد فردگرایی و زندگی در جامعه پر ابهام مدرن، اضطراب در تصمیم گیری را به همراه دارد. مشارکت کنندگان این پژوهش ترجیح می‌دهند به فرزندآوری، نگاهی نه از سر زور و اجبار داشته باشند، بلکه با دید منطقی و به دور از نگاه‌های سطحی و عرفی، شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه را سنجیده و به طور کاملا ارادی و خودخواسته رفتارهای باروری خود را تنظیم کنند. آنها تصمیم گرفته‌اند پیش از ورود به مرحله فرزندآوری، موانع خرد و کلان را در نظر گرفته و تا حد امکان تا رفع آن موانع، بارداری خود را به تعویق اندازند. در سطح فردی زوجین قصد دارند تا رسیدن به مرحله آمادگی روحی_روانی و تامین شرایط نسبتا با ثبات زندگی، فرزندآوری را معلق نگه دارند و خود را از تجربه حس والدینی محروم نمایند. از اینرو نیاز است برای مدیریت کارآمد و دقیق‌تر شرایط در سطح کلان اجتماع و اجتناب از سقوط به تله باروری (تداوم باروری سطح پایین و تقویت این شرایط با کاهش باروری)، اجتناب از مخاطرات سالمندی فردی و چالش سالخوردگی جمعیت که در آینده ای نه چندان دور دامن‌گیر ساختار جمعیتی کشور خواهد شد، تدابیری سیاستی با ضمانت

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

اجرایی قوی لحاظ کرد. این سیاست‌ها بایستی توان مواجه شدن با ناپایداری و بی ثباتی بیشتر خانواده ها را داشته باشند و نیازهای انواع متفاوتی از خانواده ها که روز به روز بر تنوع آنها نیز افزوده می‌شود را در نظر بگیرند. سیاست‌ها همچنین بایستی نابرابری های اقتصادی، شکل های جدید و بی ثبات شغلی، تغییر نقش های جنسیتی، افزایش نقش های اقتصادی مادران و هزینه‌های مسکن که برای بسیاری از خانواده ها غیرقابل تحمل است را بازتاب دهند. همچنین باید به ترجیحات متنوعی که مردم نسبت به زمان بندی، تعداد فرزندان و پیشرفت های ادراکی برای والدین شدن دارند، توجه کنند.

سهم نویسندگان

احمد کلاته ساداتی: راهنمایی و نظارت علمی، تحلیل داده ها، مشارکت در تدوین مقاله

ملیحه علی مندگاری: راهنمایی علمی، تحلیل داده ها، مشارکت در تدوین مقاله

بهنام هنرور: راهنمایی و نظارت علمی، مشارکت در تدوین مقاله

محسن بیاتی: راهنمایی و نظارت علمی، مشارکت در تدوین مقاله

عسل السادات رضوی نسب: تحلیل داده، مطالعه پیشینه و نگارش یافته ها

سارا صادقیه: جمع آوری و تحلیل داده، مطالعه پیشینه و نگارش یافته ها

کامران باقری لنکرانی: راهنمایی و نظارت علمی، مشارکت در تدوین مقاله

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر منتج از طرح مصوب مرکز تحقیقات سیاستگذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی شیراز با عنوان «بررسی علل عدم تمایل به فرزندآوری در استان فارس (رویکرد ترکیبی)» بود که در سال ۱۴۰۲، به اجرا در آمد. بدینوسیله از حمایت های آن مرکز و همچنین تمامی مشارکت کنندگان که صبورانه در این پژوهش حضور داشتند، تشکر و قدردانی می شود.

منابع

1. Farrokh-Eslamlou HR, Vahabzadeh Z, Moeini R, Moghaddam Tabrizi F. Pre-Marriage Couplesfertility Attitude Following Recent Childbearing Persuasive Policies in Iran. Nursing and Midwifery Journal 2013;11: 836-46 [In Persian]

2. Howitt P, Weil, D. N. Economic Growth. In: The New Palgrave Dictionary of Economics, 2st Edition, Palgrave Macmillan: London, 2008

3. Fathi, E., Javid, N. M., Nasiripour, M. Fertility trends in Iran from 2017 to 2021, Tehran: Iran Statistics Center, 2021. Available at: https://amar.org.ir/ [In Persian]

4. Haerimehrizi A M, Sadighi J, Motlagh M, Eslami M, Naghizadeh F, et al. Fertility desire among Iranians: a nationwide study. Payesh 2017;16:401-10 [In Persian]

5. Barati T, Kanani MA, Ebadollahi-Chanzanagh H. Cultural Capital and Fertility: A Study among Married Women Aged 15-49 in the City of Rasht. Journal of Population Association of Iran 2021;16:159-91 [In Persian]

6. Meyer P A, Lucas D. Beginning population studies, 2st Edition, National Centre for Development Studies: Canberra, 1994

7. Cleland J, Wilson C. Demand theories of the fertility transition: An iconoclastic view. Population Studies 1987;41:5-30

8. Robinson, Warren C. The Economic Theory of Fertility Over Three Decades. Population Studies 51 1997;1:63–74

9. Kalantari S, Abbaszadeh M, Aminmozafari F, Rakeibonab N. The Sociological Study of Attitude to Child bearing and it's some related Factors (Case study: married youth in Tabriz City). Journal of Applied Sociology 2010;21:83-104 [In Persian]

10. Hosseini H. Social Economic Demography and Family Planning, 4st Edition, Boali Sina University Publications: Hamedan, 2017 [In Persian]

11. Ghaffari F, Motaghi Z. Factors Affecting Childbearing Based On Women's Perspectives: A Qualitative Study. Navid No 2021;23:33-43 [In Persian]

12. McDonald P. Gender Equity in Theories of Fertility Transition. Population and Development Review 2000;26: 427-439

13. Lesthaeghe R. Houshould Formation in the Second Demographic Transition in Europe and US: Insights from Middle Range Model 2008;32:669-698

14. Chamani S, Shekarbeigi A, Moshfegh M. Sociological Determinants of Fertility (Case Study:

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]

Married Women Living in Tehran). Socio-Cultural Strategy 2016;5:137-65 [In Persian]
15. Bourdio P. Practical Reason: On the Theory of Action, 1st Edition, Naqsh and Negar Press: Tehran, 2002 [in Persian]
16. Askari-Nodoushan A, Razeghi Nasrabad H B. Motherhood Experience and Childbearing Challenges of Working Women: A Qualitative Study in Tehran. Strategic Research on Social Problems 2023;12:99-122 [in Persian]
17. Najafi asl z. Review of Non-Economic Causes of Women's Unwillingness to Childbearing (Case Study: Women Presenting to Sports Clubs in Tehran's District. Socio-Cultural Strategy 2023;11:313-340 [in Persian]
18. Torkian Valashani S, Zamani Alavijeh F, Heidari Z, Shoushtari Moghadam E. Fertility desire: Facilitators and inhibitors. Payesh 2019;18 :241-249 [in Persian]
19. Owoo Nkechi S. Patriarchal Norms, Partner Pronatalism, and Women's Fertility Intentions in Ghana. African Journal of Reproductive Health / La Revue Africaine de La Santé Reproductive 2023;27:76–86
20. Cheng Y H A, & Hsu C H. No more babies without help for whom? Education, division of labor, and fertility intentions. Journal of Marriage and Family 2020;82:1270-1285
21. Foroutan Y. "Cultural Analysis of Half-Century Demographic Swings of Iran: The Place of Popular Culture." Journal of Ethnic and Cultural Studies 2019;6:77–89 [in Persian]
22. Loeffler AG, Friedl E. The birthrate drop in Iran. Homo 2014; 65: 240-255
23. Yang H. Education, Married Women's Participation Rate, Fertility and Economic Growth. Journal of Economic Development 2000;25:101-118
24. Lutz W, Skirbekk V, Testa MR. The low-fertility trap hypothesis: Forces that may lead to further postponement and fewer births in Europe. Vienna Yearbook of Population Research 2006:167-92
25. Arhami A. Observing the behaviors and attitudes of Iranians on the issue of having children. Islamic Council Research Center: Tehran, 2022 [in Persian]
26. Mahmoudiani S. Prevalence and correlates of Single Child Behavior among Women. Payesh 2021; 20: 109-117 [in Persian]
27. Aghayari hir T, Farokhi nekarestan M, Latifi mojreh, S. S. Childbearing as Risk: (Qualitative Study of Milieu for Bearing Few Children in Tabriz City). Women's Strategic Studies 2016;19:7-33 [in Persian]
28. Corbin J, & Strauss A. Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. 3th Edition, SAGE Publications: Uk, 2008
29. Modiri, F., Rahimi, A. Sex Preference and the Role of Gender Attitudes on its Shaping. Journal of Population Association of Iran 2016;11:9-41 [in Persian]

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.61186/payesh.24.2.243]